

ایستگاههای فضائی و سفرهای کیهانی در قرآن

احمد شَمَاع زاده

در جست و جوی راهی به سوی آسمان

و ان كان كبر عليك اعراضهم فان استطعت ان تبتغي نفقاً في الارض او سلماً في السماء فتأتيهم بآيه. (انعام: 35)

- «اعراض» به معنای «دوری گزیدن» است، نه «اعتراض و انکار». اعراض با بی اعتنایی همراه است، و اعتراض با پر خاشگری.

- خداوند دو مثال آورده؛ که بدون توضیح و روشن گری، مفهوم آیه تا اندازه ای گنگ است.

- با توجه به دنباله آیه، چنانکه در آیات دیگری نیز به پیامبر یادآور شده است (از جمله، آیه آخر سوره توبه: **فان تولوا فقل حسبى الله لا اله الا هو عليه توكلت و هو رب العرش العظيم**)

خداوند به پیامبرش می گوید زیاد به این فکر مباش که از دین خدا روی گردان می شوند و با دیدن این قرآن با عظمت باز هم ایمان نمی آورند؛ اگر خداوند می خواست همه را هدایت می کرد؛ ولی او با علم به اینکه آنان این گونه اند، برای آزمایش پس دادن آنان به خودشان، تو را فرستاد. «اما اگر تو فکرمی کنی با چیزهای دیدنی و لمس کردنی به دین تو درمی آیند، پس اگر می توانی، گذشته از قرآن که بیان کننده آیه ها و نشانه های هستی نظری است، از آیه ها و نشانه های هستی واقعی که در «زمین» و «آسمان» است، بهره ای برگیر و برای آنها از آن نشانه ها بیاور» و در اصل خداوند به ما خط و نشان می دهد که می توانید بدین گونه به آیات الهی بهتر و آسان تر دسترسی داشته باشید.

در اینجا خداوند از **نفق و نقب (راه و سوراخ زیر زمینی و تونل) زدن در زمین و ایجاد «سَلَم»** یعنی وسیله ای که با آن بالامی روند برای آسمان مثال زده است.

ما نباید این نکته ها و نشانه ها و مثلها را دست کم بگیریم و از کنار آن بگذریم بلکه با دیدی بزرگوارانه تر به این قرآن عظیم نظربین کنیم؛ که اگر چنین نکنیم عظمت آن را درک نکرده ایم.

خداوند تنها يك آیه دیگر نیز دارد که واژه «سَلَم» را در آن به کار برده، که باز هم برای بهره برداری آسمانی یا فضائی آن را یادآور شده است:

ام لهم سلّم يستمعون فيه فليأت مستمعهم بسطان مبین (طور: 38)
ترجمه: آیا وسیله ای دارند که به وسیله آن بالا روند و به گوش بنشینند؟ اگر چنین است پس باید که برای شنودکنندگان دلیل روشنی بیاورند.
- در اینجا خداوند گفته از این وسیله بالا برنده استفاده کنند و در آن (فیه) شنود یا دریافت کنند؛ که به مفهوم «ایستگاه شنود فضائی» است.
- خداوند در این میان از فرشتگان یاد نکرده چه بسا چیزهایی در کیهان باشد، که فرشتگان هم از چندوچون آن آگاهی نداشته باشند؛ مانند خزائن الهی که در آیه پیشین (37) از آن یاد کرده است.
پس: سلّم يستمعون فيه، اشاره به «ایستگاه فضائی گیرنده امواج رادیویی یا تلسکوپهای فضائی» است که کاربران بتوانند با آن، امواج رادیویی و یا تصویرهایی را دریافت کنند؛ تا با این دریافتها، احتمالاً به خداوند ایمان بیاورند.

پیرامون این آیه گفت و گو شد تا معنای آیه پیشین (انعام: 35) بهتر روشن شود. تصور کنید چرا خداوند این دو مثال را آورده: «کندوکاو در زمین» و یافتن آیه یا نشانه‌ای، و نیز «کندوکاو در آسمان» و یافتن دستاوردی عینی از کیهان، تا موجب ایمان آوردن کافران شود.

اگر در این آیه تدبر کنیم، متوجه می‌شویم که خداوند در زمان حضرت رسول اکرم (ص) این مثالها را آورده تا ما امروز از آنها بهره‌برداری کنیم. چه دانشی است که به کندوکاو در زمین می‌پردازد و نشانه‌هایی را می‌یابد که «سیروا فی الارض فانظروا کیف بدأ الخلق» (در زمین سیر کنید و بررسی کنید چگونه آفرینش آغاز شد) مصداق خود را می‌یابد؟ و موجب گسترش دانش‌های انسانی و افزایش ایمان می‌شود؟ آیا این دانش باستان‌شناسی نیست، که مادر دانش انسان‌شناسی است، و «انسان‌شناسی» موجب خداشناسی می‌شود؟

از دیدگاه مادی نشان دادن «آیه» (که خداوند به پیامبرش گفت) بهترین راهی است که میتوان به اسرار کیهان و شگفتی‌های آفرینش پی برد، که این مهم جز به وسیله بالارونده‌هایی همچون ماهواره‌ها که عمق کیهان را می‌کاوند، میسر نخواهد شد و دانش این نشانه‌یابی همانا کیهان‌شناسی است و تنها با کیهان‌شناسی است که میتوان به مفهوم این آیه پی ببریم:

لخلق السموات والارض اکبر من خلق الناس و لكن الناس لا یعلمون (غافر: 57)

ترجمه: همانا آفرینش کیهان بزرگتر و با اهمیت تر از آفرینش مردمان (جن و انس) است ولی مردم نمیدانند و درک نمیکنند.

باز هم در مورد نشان دادن آیه چه کسی بهتر از يك فضانورد که با سفینه فضائی (بالابرنده) خود از زمین دور می‌شود، می‌تواند چیزهایی را دریافت کند که برای ایمان آوردن کافران، آیه و دستاوردی مادی به همراه داشته باشد؟

امکان دستیابی انسان به ایستگاهها و سفینه‌های فضایی را قرآن کریم در آیات دیگری نیز یادآور شده است. آنجا که می‌فرماید:

ام لهم ملك السموات والارض و ما بينهما فليرتقوا في الاسباب (ص: 10)
ترجمه: آیا مالك كيهان اند؟ پس باید که بالاروند در وسیله‌ای که دارند (منظور خداوند از آوردن حرف في پیش از اسباب، یعنی وسیله‌ای که در آن می‌نشینند و بالامی‌روند؛ یا فضاییما تا بدان وسیله از ملك خود پاسداری‌کنند).
یعنی کسی که خداوند را به مالك بودن كيهان نپذیرد، باید همچون خداوند همه‌گونه امکان و وسیله‌ای داشته‌باشد؛ از جمله وسیله سرکشی به ملك خود.

دو آیه دیگر:

و قال فرعون يا همن ابن لي صرحاً لعلی ابلغ الاسباب (36) اسباب السموات فاطلع الي اله موسى و آتی لاطنه كاذباً (غافر: 37)
ترجمه: و فرعون گفت ای «هامان» برای من بناکن بنایی بلند، بلکه دست‌یابم به آن وسیله. وسیله آسمان‌ها. پس آگاهی‌یابم به سویی خدای موسی و همانا که من گمان می‌برم او دروغ‌گوست.

در اینجا نیز خداوند اسباب را معرفه به‌کاربرده، یعنی وسیله‌ای را که فرعونیان می‌شناخته‌اند. این دو آیه دو چیز متفاوت، ولی در يك جهت را مورد نظر دارند. در آیه اول می‌گوید بنایی بلندی بساز تا در آن بنا، بلکه به اسباب دسترسی پیداکنم. در آیه دوم اسباب را توضیح بیشتری می‌دهد: «اسباب السموات» یا «وسيلة آسمان‌ها» این وسیله چه نوع وسیله‌ای است؟

در اینجا تصور نشود که فرعون قصد تمسخر داشته و یا بدون اندیشه می‌خواست با يك بنا به خدای موسی دسترسی پیدا کند، چنانکه در ترجمه‌ها و تفسیرها می‌خوانیم؛ بلکه با دقت در واژه‌های قرآن متوجه می‌شویم که آن بنایی بلندی که در نظر فرعون بوده، بنایی مناسب برای ساختن يك رصدخانه بوده؛ مگر دانشمندان برای ساختن رصدخانه، به دنبال بلندترین جایی دنیا نمی‌گردند؟

اسباب السموات نیز در اینجا به معنی وسیله رفتن نیست، بلکه وسیله آگاهی یافتن است؛ ولی نه آگاهی «بر خود خداوند» بلکه «به سویی (الی) خداوند» یا بر «ملك» خداوند. و مگر ملك خداوند را جز در آسمان‌ها (فضای کیهانی)، در جایی دیگری می‌توان یافت؟ و مگر جز با تلسکوپ، با وسیله دیگری می‌توان به ملك خداوند پی‌برد؟

بنابراین «اسباب السموات» یعنی تلسکوپ، و «اسباب» در «فلیرتقوا فی الاسباب»، منظور «سفینه فضایی» یا «فضاییما» است؛ و می‌بینیم که همه چیز در قرآن یافت می‌شود.

پرواز جنیان به آسمان و شنود فضائی

الف - از آیات هشتم تا دهم سوره جن برمی آید که جن موجودی است با قدرت پرواز، و تا قبل از بعثت رسول گرامی همواره به آسمان پرواز می کرده اند، ولی اکنون (با نزول قرآن) از این قدرت محروم شده اند. گذشته از پرواز عادی، آنان به آسمان می رفتند و در پایگاه های شنود فضائی خود، به شنود می نشستند، (انا کنا نقعد مقاعد للسمع) و پیام های کیهانی از جمله وحی را می گرفتند. ولی به تازگی با پدیده ای نو (نزول قرآن)، روبه رو شده و از پرواز منع شده اند.

بنابراین، اگر اکنون جنی اقدام به شنود کند، تیر شهابی که در کمین اوست، بدون درنگ، او را مورد یورش قرار می دهد. ولی جنها نمی دانند که این موضوع برای ساکنین زمین مفید خواهد بود و یا به ضرر آنهاست.

ب - آیاتی دیگر از قرآن در این زمینه:

آیات 16- 18 سوره حجر: به راستی که ما در آسمان برجهایی قرار دادیم و برای نظاره کنندگان آن را آراستیم و از هر شیطان رانده شده ای (جن بدکار) حفظ کردیم، مگر آنکه استراق سمع کند، پس شهابی روشن، او را پی خواهد کرد.

آیات 6 - 10 سوره صافات: ما آسمان دنیا را به زینت ستارگان آراستیم و آن را از هر شیطان سرکشی حفظ کردیم، تا هرگز نتوانند که با شنود به ملاء اعلی (عالم بالا) راه یابند و از هر سو رانده، و به عذاب همیشگی گرفتار شوند. کسی که خبری را بدزدد، حتما تیر شهابی او را پی می کند.

آیه 5 سوره ملک: و به تحقیق آراستیم آسمان دنیا را با چراغها و آنها را دورکننده هایی برای شیاطین قرار دادیم و عذابی سوزان برای آنان آماده کردیم.

آیات 210 تا 212 و 221 تا 223 سوره شعراء: این قرآن را شیاطین نازل نکردند، نه شایستگی و نه توانایی آن را دارند. همانا که آنها از شنود (وحی) معزول شده اند. آنان تنها از شنود وحی معزول شده اند ولی می توانند دیگر شنودها را به بدکاران دروغ پرداز القاء کنند:

آیا خبردهم شما را که شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟ بر هر بدکار دروغ پردازي فرود می آیند. شنودهای خود را القاء می کنند و بیشترشان دروغ گویند.

از این آیات چنین برمی آید که خداوند در آسمان برجهایی قرار داده و برای حفظ این برجها، که ویژگی برج معمولاً دیدبانی است، آنها را نورانی کرده تا از سویی ویژگی های آنها به چشم شیاطین نیاید و از سوی دیگر از دور زیبا جلوه کنند و گذشته از این، اگر جن سرکشی اقدام به استراق سمع و شنود فضائی کرد، به گونه ای خودکار، با

تیرهای شهابی که آمادۀ شلیک شدن اند، مورد اصابت، و اگر اقدام به گریز کرد، مورد پیگرد قرار گیرد.

نظر: افسانه‌های کهن، و آثار باستانی موجود در موزه‌های مختلف جهان، موجب شده‌است که پژوهشگرانی چند بویژه پژوهندۀ سرشناسی همچون «اریک فون دنیکن» به این نتیجه برسد که مردانی پرنده با وسایلی فضایی وجود داشته که پس از نبردهایی سهمگین و احتمالاً طولانی به زمین بازگشته‌اند. (قرآن کریم پیش از وی این موضوع را در سوره جن یادآور شده است.) البته وی از «شیاطین» و جن‌ها با عنوان «خدایان» نام می‌برد. ولی ما می‌دانیم که خدایانی وجود نداشته‌اند؛ بلکه جن‌ها بوده‌اند که تا آن اندازه توش و توان داشته‌اند که در تصور انسان بسیار بزرگ آمده و به عنوان خدایان یا «قدرت برتر» و به قول عوام «ازما بهتر» از آنها نام برده شده‌است.

اما با نزول قرآن کریم و پیشگیری از ادامه پرواز جن‌ها، می‌بینیم که تمدن‌های آنها نیز یک یکی از میان رفته و پس از قرن هفتم میلادی دیگر سخنی از پرواز و آثار پرواز شبه‌انسان‌ها و تمدن‌هایشان در میان نیست؛ بلکه به افسانه‌ها پیوسته‌اند و تبدیل به سؤالی بزرگ در دانش باستان‌شناسی شده‌اند.

خروج از جو زمین و سفر به افق‌های دور

خداوند در سوره الرحمن آیه 33 خطاب به جن و انس می‌فرماید:
يا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لاتنفذون الا بسطان

این آیه، بسیار روشن سفر فضایی را یادآور می‌شود. در نتیجه معلوم می‌شود که قرآن کریم تا چه اندازه به مسائل علمی و تکنیکی اهمیت می‌دهد.

واژه «سلطان»ی که در این آیه آمده، همان «سلطان مبین»ی است که در آیه 38 سوره طور آمده‌بود؛ و موضوع هر دو آیه سفر فضایی است.

این آیه (33 الرحمن) شباهت‌های زیادی به آیه 38 طور دارد؛ و همة جن و انس را مخاطب قرار داده «اگر می‌توانید»؛ و در آیه 35 سوره انعام که در آغاز گفتار آمد مخاطب پیامبر است؛ آنجا نیز فرموده «اگر می‌توانی».

بررسی سفرهای فضایی از دیدگاه روایی

در پیرامون «سفر به آسمان‌ها»، استاد محمدرضا حکیمی پیرامون این توانایی بشر به هنگام ظهور حضرت صاحب‌الامر(ع)، در کتاب «خورشید مغرب» چنین می‌نویسد:

«در اینجا و در این رساله می‌خواهم مسأله‌ای بزرگ را مطرح کنم، مسأله‌ای بسیار بزرگ ...». «شما می‌دانید که بشریت پس از چند هزار سال کوشش و پیگیری، در راه تجربه و شناخت طبیعت و جهان، و پس از قرن‌ها آزمایش و تفکر و عمل، و هزاران گونه زحمت‌دیدن، و رنج‌بردن، و قربانی‌دادن، و هزینه‌گذاشتن، و پس از آنکه هزاران

دانشمند و متفکر و آزمایشگر، در طول قرون و اعصار، آمدند و کوشیدند، و به مقامات علمی رسیدند، و حاصل کوشش‌ها و تلاش‌های خویش را به شاگردان و آیندگان سپردند، اکنون چندسالی بیش نیست که انسان به مسأله سفر به فضا و گردشهای آسمانی و نقل و انتقالاتی کیهانی دست‌یافته‌است، آنهم به صورتی بسیار بسیار مقدماتی و بسیار بسیار محدود؛ و پیش از این عصر، سخنی از سفر انسان به آسمان، و عملی بودن آن، به صورتی جدی، در میان بشر و عالمان بشری، مطرح نبوده‌است. پس از توجه به این موضوع، اکنون به این روایت که از حضرت امام محمدباقر (ع) رسیده‌است، و بیشتر از 1290 سال از صدور آن می‌گذرد، توجه کنید:»

«مهدی بر مرکبهای پرصدایی که آتش و نور در آنها تعبیه شده‌است، سوار می‌شود و به آسمان‌ها، همه آسمان‌ها سفر می‌کند.»

استاد حکیمی ضمن آوردن يك حدیث دیگر که در آن از «اسباب السموات» یاد شده، سخن را به اینجا می‌کشاند که «از آن روزگار که این روایت گفته شده، 1290 تا 1340 سال می‌گذرد. آن روز، آنچه در میان دانایان و فیلسوفان بشری وجود داشته، این بوده‌است که سفر به آسمان محال است.»

از این سخن معلوم می‌شود، جهان‌بینی عصر مفسرین، در توجیه و تفسیر آیات الهی بسیار دخالت داشته و دارد. و این گونه جهان‌بینیها میتواند تا چه اندازه ما را از کلام حق دور کند. مفسرین نباید بدون تدبر در آیات قرآن کریم تنها ناقل جهان‌بینی قدامت مفسرین باشند و از یکدیگر نسخه برداری کنند. بویژه آنکه امروزه با کنکاشهای باستانشناسی و پژوهشها و کوششهای پژوهشگران بسیاری همچون اریک فن دنیکن مشخص شده است که پرواز به آسمان در زمانهایی بسیار دور هم یا امکانپذیر بوده و یا به ذهن بشر رسیده بوده و این گونه نیست که تصور کنیم پس از نشستن آپولو یازده بر کره ماه این افکار پدید آمده است.

ایشان در ادامه می‌نویسند: «در روایت امام باقر (ع) گفته شده‌است که بیشتر آسمانها آباد و محل سکونت است. البته این آسمان‌شناسی اسلامی که از مکتب ائمه طاهرین (ع) استفاده می‌شود، ربطی به آسمان‌شناسی یونانی و ... ندارد. و هرچه در آسمان‌شناسی یونان، محدودیت افلاک و ستارگان مطرح است، در آسمان‌شناسی اسلامی، درست به عکس است، و سخن از ابعاد عظیم، و ستارگان بی‌شمار، و اقمار فراوان و منظومه‌های متعدد است.»

پژوهشگرانی همچون «اریک فون دنیکن»، باتوجه به آثار پیشینیانی که پیش از انسان امروزی بر روی کره زمین زندگی کرده‌اند، به این حقیقت‌ها دست‌یافته‌اند؛ و حتی در کتاب «ارابه خدایان»، جمله‌هایی را نقل کرده‌است که بسیار شبیه است به حدیثی که از امام محمدباقر (ع) نقل شد.

با دقت در مطالبی که به نقل از استاد حکیمی آوردیم، متوجه می‌شویم، حتا ایشان به «کیهان‌شناسی قرآنی»، «سفرهای فضائی»، و «مسکونی بودن فضا» که از آیات قرآن برمی‌آید، اشاره‌ای نمی‌کنند، و این موضوع را به روایت‌ها نسبت می‌دهند؛ ولی خود معصومین می‌گویند ملاک سخن ما تنها قرآن است. (ای قرآن! چقدر مظلومی!!)

احمد شماع زاده – فروردین 1394